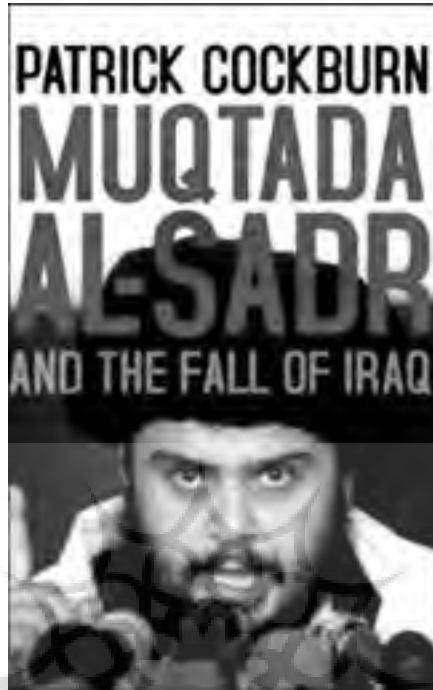


هوش شیعی*

بارتل بال

بمب‌گذارهایی که جان دهها هزار عراقی غیرنظامی را گرفته‌اند سنی هستند. از دقایق و ظرایف خشونت است که ناظر خارجی تحولات عراق پی به واقعیت‌های سیاسی آن حوزه می‌برد.

داستان عراق در عرض پنج سال گذشته، داستان سربازان عراقی و انگلیسی، با تمامی شکست‌ها و پیروزی‌ها و تر اژدی‌هایشان نیست. داستان عراقی‌هاست و سمت و سوی جدیدی که تحولات سیاسی آن سامان پس از حاکمیت سی‌سالهٔ بعث به خود می‌گیرد. داستان تبدیل عراق به یک کشور شیعی است. بزرگترین شگفتی و احتمالاً قوی‌ترین نیروی برآمده از این فرایند نیز



Muqtada Al-Sadr and Fall of Iraq. Patrick Cockburn. Faber, 2008.

در اواخر اوت ۲۰۰۴ خود را در میان ۲۰۰۰ شیعهٔ عراقی بیچاره‌ای یافتیم که در مسجد قدیمی کوفه در حوالی نجف واقع در حدود ۱۰۰ مایلی جنوب بغداد پناه گرفته بودند. محاصرهٔ دوم نجف – محاصرهٔ اول در ماه آوریل بود – پس از سه هفته زد و خورد شدید در حال فروکش بود. چند روز قبل مسجد کوفه هدف یک موشک امریکایی قرار گرفته بود که خشم شیعیان را در سراسر جهان برانگیخت. دم

مقتدی صدر است.

در ایام اقامت خود در عراق از این امتیاز برخوردار بودم که با پاتریک کاکبورن، بزرگ نویسندگان و تحلیلگران امور عراق، هم منزل باشم. از میان گروه هجده نفری ما که هر روز از بغداد به نجف می‌رفت سه نفر روبرو شده – احتمالاً کشته شدند – و اکثر ماها نیز از آن زمان به بعد از فعالیت‌های خود در عراق پس کشیده‌ایم. ولی کاکبورن کماکان در همان حوزه کار می‌کند؛ یعنی از سال ۱۹۷۷ تاکنون، نخست در مقام گزارشگر برای فاینانشیال تایمز و اینک برای روزنامهٔ ایندپیندنت. وی در کنار قیس عبدالاحد، گزارشگر خارق‌العاده‌گاردین و هلا جابر، گزارشگر تایمز تنها روزنامه نگاری است که به نحوی مستمر از داخل عراق به کار خود مشغول بوده است.

اینک بهترین خبرنگار مستقر در عراق آخرین کتاب خود را به بهترین داستان عراق اختصاص داده است: مقتدی صدر و سقوط عراق. کاکبورن در این کتاب از مضامینی چون ریشه‌های درهم‌تنیدهٔ نهضت مقتدی صدر در اندیشه‌های عدالت‌طلب و هزاره‌گرایی تشیع، تلاش شیعیان عراق برای مقاومت در برابر چیرگی آریستوکراسی ایرانی نسب تشیع بر آنها و بیش از سه دهه ستمگری حزب بعث، تصویری مفید به دست می‌دهد.

بعد از سرزیر انبوهی از خاطرات فراموش شدنی به قلم روزنامه‌نگاران، دیپلمات‌ها و سربازان مختلف – به استثنای کتاب منطقهٔ سرخ (خاطرات پراطلاع و پراساس اولیور پول) – ملاحظهٔ نوشته‌ای فاقد جنبه‌های ملودر اماتیک و ساده‌انگارانه، موهبتی است.

در مسجد تلّی از کف‌های برجای مانده از رزمندگان به خاک افتاده به چشم می‌خوردم. در آن دفتر کوچک که پناه گرفته بودم، ده – دوازده مرد جوان نیز کنار دیوار چمباتمه زده بودند؛ با سررویی خسته و خاک‌آلود، خونین و مجروح. ملایی جوان، باریک و خوش قیافه، مانند بسیاری از دیگر دستیاران جوان مقتدی صدر، در حالی که با یک دست باندپیچی شده با دم برجای مانده از یک گلولهٔ خمپاره بازی می‌کرد، با دست دیگرش بر یک میز خاک‌آلود، نقشهٔ نبرد را ترسیم می‌نمود. برای یک خبرنگار امریکایی که با زبان عربی نیز آشنایی چندانی نداشت، پناهگاه من در آن مسجد به اندازهٔ کافی وحشتناک بود، ولی هنگامی که در جست و جوی راننده و مترجم بیرون رفتیم، با دیدن یک جمعیت خشمگین بر دامنهٔ ترس و وحشتم افزوده شد. ولی در آن چند ساعت پراالتهاب هیچ کس سعی نکرد مرا اذیت کند. در عرض پنج سال گذشته غیرنظامیان امریکایی و اروپایی همیشه در مناطق شیعه‌نشین امنیت بیشتری داشته‌اند تا در حوزه‌های سنی‌نشین.

این القاعده و بعثیون – دو خاستگاه اصلی خشونت سنیان عراق – بودند که به ربودن و قتل خارجیها می‌پرداختند.

ارتش مهدی مقتدی صدر در مقام تنها گروه شیعه که با نیروهای ائتلاف از در رویارویی وارد شد، به ندرت خارجیها را می‌دزد و اگر هم چنین اتفاقی رخ دهد، آنها را آزاد می‌کند. حتی گروه‌های منشعب از گروه صدر نیز معمولاً از سوی دفتر مقتدی صدر متقاعد می‌شوند که گروه‌های خود را رها کنند. طولی نمی‌کشد که روشن می‌شود اکثر

جنگ و جدل جاری در عراق از دیدگاه خبرنگاران سه ویژگی عمده را دارا بوده است: در مقایسه با دیگر تجارب جاری در حوزه خبرنگاری خطرناکترین آن است (از پنج سال پیش تاکنون ۲۰۰ خبرنگار کشته شده‌اند)، از جنبه فراغت عصرگاهی، فوق‌العاده خشک و نامطبوع است، و ادبیات ماندگاری نیز بر جای نگذاشته است.

ویژگی چهارمی را نیز می‌توان بر این فهرست افزود: تسلط سیاستهای تحریریه بر گزارشهای رسیده از عراق که همگی در یک نگاه چپ ضدامریکایی ریشه دارند. کاکبورن نیز از زعمای این مکتب فکری به شمار می‌رود. عرصه‌ای است که می‌توان بنیانگذارش را پدر او دانست: نویسنده کمونیست کلاود کاکبورن. سنت او را نیز پاتریک و دو برادر خوش ذوقش الکساندر و اندرو ادامه می‌دهند. پاتریک از جدلیون سرافزار مکتب قدیم - گرایش بدبین نسبت به قدرت امریکا - است و احتمالاً ستاره پرفروغ خاندان خود نیز محسوب می‌شود. خاندانی که آن را می‌توان کندی‌ها و یا حتی بوش‌های عرصه روشنفکری چپ امریکا تلقی کرد.

سنت والایی است و تداوم آن در دستان کاکبورن، دلنشین و پرتالو؛ ولی همان‌گونه که نسبت به جنگ سرد موضعی نادرست داشت، نسبت به جنگ عراق نیز برخطاست. اگر رهبران ما بدان گوش می‌سپردند، صدام حسین بیست سال دیگر نیز بر مسند قدرت باقی می‌ماند و عراقی‌ها از امکانی که امروز برای دست‌یافتن به آزادی برخوردارند، محروم می‌مانند. اگر این گرایش فکری جدای از یک ابراز نگرانی کلی در مورد فردای پرخشونت عراق، توان پیش‌بینی تحولات آتی عراق را می‌داشت، سه انتخابات دموکراتیکی که در ۲۰۰۵ به صورتی سراسری در عراق برگزار شد، می‌بایست با شکست روبه‌رو شود، حال آنکه نتیجه کار آنچنان هم بی‌حاصل نبوده است و در توفیق نسبی این امر چه واقعیتی از این گویاتر که عراق به رغم تجربه «جنگ داخلی» ۲۰۰۶ و نیمه نخست ۲۰۰۷، هنوز دارای یک رهبری سیاسی است و متلاشی نشده است. اگر به صلاحدید این مکتب غیرلیبرال عمل می‌شد، این ملت با اهمیت ۲۵ میلیون نفری همان سال پیش به القاعده، بعثی‌ها و همسایگانش سپرده شده بود. با این حال کتاب کاکبورن مفیدترین کتابی است که تا به حال در مورد عراقی بعد از صدام نوشته شده است و خوشبختانه توجه آن بیشتر به تحولات داخلی عراق معطوف است؛ عرصه‌ای فارغ از مناقشات فلسفی جاری در غرب. مقتدی صدر به حربه‌ای ملهم از نوعی نبرد طبقاتی و ناسیونالیسم ضدایرانی توسل جسته که بیانگر مناقشه جناح صدر با سلسله مراتب سنتی تشیع نجف است. علاوه بر این، نهضت وی جنبه‌ای نیمه‌باطنی یافته که در آن مقتدی، پدر و پدرزن شهید او درهم تلفیق شده‌اند. ولی به رغم تمامی این ویژگیها، کاکبورن به درستی اظهار می‌دارد که مقتدی «... به رغم لحن هزاره گریانه و گفتار شهادت‌طلبانه‌اش، فردی محتاط است...» نه فقط نوکیش دیوانه‌ای نیست، بلکه بازیگر مجرب و حيله‌گری است. کاکبورن خاطر نشان می‌کند که وی از نوزده سالگی دفتر سیاسی پدرش را در نجف اداره می‌کرده است.

بخشی از مقام و جایگاه مقتدی صدر در میراث پوپولیستی خانواده‌اش ریشه دارد و بخشی از آن نیز به موقعیت او در مقام تنها رهبر یک گرایش مهم عراقی بر می‌گردد که در برابر ائتلاف به رهبری

ایالات متحده ایستاد و مبارزه کرد. و اینک نیز برای تشکیل حکومت خودش مبارزه می‌کند.

مهمترین موضوعی که در خلال خشونت‌های مارس و اوایل آوریل مطرح شد، ناتوانی ارتش نوپای عراق نبود (یک سال پیش دولت عراق نه فقط برای رویارویی با مقتدی، که حتی برای دست گرفتن بندر بصره و استرداد بخش اعظم حاشیه شهر از دست گروههای مسلح نیز اعتماد به نفس کافی نداشت)، بلکه بهترین نکته‌ای که در این دور آخر از خشونت‌ها نمایان شد مواضع مصالحه‌جویانه مقتدی صدر بود. وی در خلال تمامی نبردهایی که در حوزه‌های تحت کنترل او در بصره و شهرک صدر جریان داشت بر تعهد خود نسبت به آتش‌بسی که در فوریه گذشته تجدید شد، تأکید داشت. این افراد - و نه نیروهای مالکی - بودند که دستور یافتند عرصه نبرد را ترک گویند و در حال حاضر افراد مالکی در خیابانهای بصره گشت می‌زنند. پس از یک هفته نبرد، مقتدی صدر دعوت به شورش نکرد، بلکه خواهان برگزاری یک تظاهرات مسالمت‌آمیز در خیابانها شد؛ تظاهراتی که از سوی حکومت لغو شد و صدای مقتدی صدر هم در نیامد. مقتدی از کجا این بیانیه‌های مصالحه‌جویانه را صادر کرد؟ از ایران، جایی که اینک وی در آن مستقر است و لاقلاً تا چند سال دیگر که تحصیلاتش تمام شود و به مقام اجتهاد برسد، در آنجا باقی خواهد ماند. مقتدی صدر مهره‌ای در دست ایران نبوده و نیست. ولی از دست دولت منتخب خود بدان جا پنهان شده، از لحاظ سیاسی پرهزینه است. نهضت مقتدی صدر به همان اندازه که ریشه‌های پوپولیستی دارد، از جنبه‌های ناسیونالیستی نیز برخوردار است. تهران و قم جایی است که در آن به راحتی می‌شود آن ردا را از دست داد.

امروزه مقتدی صدر هم در ایران است و هم در دولت عراق. نمایندگان او هنوز در پارلمان بغداد حضور دارند و پنج وز ارتخانه مهم را تحت کنترل دارند. ولی در این میان حکومت بغداد نشان داد که می‌تواند بدون نگرانی از بروز هرج و مرج، شورش یا جنگ داخلی، رو در روی او قرار گیرد. در عرض یک سال، موازنه قدرت مبتنی بر قهر، باز هم به مراتب بیش از پیش به نفع نیروهای امنیتی سنگینی خواهد کرد و ترکش حاصل از این دگرگونی نیز واضح است.

مساجرای مقتدی صدر اخیراً دستاوردی داشته که حتی امریکایی‌ها نیز به کسب آن توفیق نداشته‌اند: همسویی کوتاه مدت تقریباً تمامی احزاب سیاسی مهم عراق؛ احزاب سنی، هر دو حزب گرد، بسیاری از گرایشهای سکولار و دو حزب عمده شیعه در رویارویی اخیر با صدر، به حمایت از دولت برخاستند. مقتدی صدر که در خلال زد و خوردهای اخیر توسط یک دولت غیرمحبوب، آسیب فراوان دیده و به حاشیه رانده شد، از این شانس برخوردار است که در خلال انتخابات محلی در پاییز امسال و انتخابات ملی سال ۲۰۰۹ از در صندوقهای رأی وارد شود و می‌دانیم که این موهبت را مدیون چه کسانی است.

* به نقل از: Prospect Magazine, Issue 146, (May 2008).